



۲۰۱۲/۰۸/۰۷



عبدالحكيم سامع

## طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد! (قسمت پانزدهم)

واقعیت امر اینست که تشخیص ماهیت اصلی «طالب»، در نقش ایکه رهبران «جنبش طالبان»، در حال حاضر می‌کوشند، خود را در جامعه و جهان «تنیبت» نمایند، خیلی بغرنج است. روابط آنها با پاکستان و بعداً هم با «القاعده» دقیقاً نمی‌توان دید که در همچو مناسبات محدود «مئلثی» بعنوان مثال، چه کسی «سر رشته» اصلی «بازی» را در دست داشته است و یا درجه «استقلال» در تفکر و اراده هر جانب به چه اندازه بوده است. آنچه وجوه مشترک را نشان می‌دهد «افراطیت» مذهبی است، که علیه بیگانه به پیش می‌برند. فرق ایکه موقف پاکستان بحیث یک دولت دارای نفوس بیش از ۱۷۰ میلیون (۲۰۰۸)، با دو گروه دیگر نشان میدهد اینست، که پاکستان واضحاً در میدان عمل دو «رویه» عمل می‌کند. در حال حاضر، در مقایسه با سابق «شیوه» عمل آن زود تر اقیاء می‌گردد. قسمت اعظمی روابط خود را با دو گروه دیگر، یعنی القاعده و «جنبش طالبان» از طریق «احزاب اسلامی» پاکستان و راه های مخفی دیگر انجام می‌دهد. از سه دوره حکومت در پاکستان، بطور نمونه، که از دوره حکومت «حزب مردم پاکستان»، تحت رهبری خانم بی نظیر «بوتو» آغاز عامل («طالبان») در منطقه و دوران «نواز شریف» و «جنرال مشرف» را پشت سر گذاشته اند، هر یک از خود داستانی بمیراث گذاشته اند.

بحیث شاگرد «مذهبی»، می‌توان تا حدی تصور کرد، که در چه جهت تقریبی آموزش فرا می‌گیرند. ولی هرگاه جهات سیاسی و حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در نظر بگیریم، وقتی می‌توان ارزیابی نمود، که موقف معین «سیاسی ایدئولوژیک»، با تفصیل لازم اعلام شده باشد. فقط آنچه روشن است، «انحصار قدرت» در دست همان «جنبش» نام نهاد، هدف آنها را تشکیل می‌دهد. چنین حالت تا حدی پراکنده و «افراطی» است. عمده‌تاً جهات «اخلاقی» و «شیوه خاص» زندگی، ظاهر گردیده، با وضع «مودرن» حیات و تنظیم مناسبات بین المللی، خود بسوی «تجرید» حرکت می‌نموده اند. یکی از نمونه ها، را می‌توان از اظهارات صریح وکیل احمد متوکل، که نه تنها چهره شناخته شده است و در جمله کمترین افراد شامل است، که حد اعظمی عکس هایش در مطبوعات منتشر گردیده است، در حالیکه «رهبر» او مخالف عکس است. این شخص از یک سیاست «صریح یک حزبی» پیروی می‌کند. از جانب دیگر وقتی، در یکی از روز ها، در داخل «ستودیم» کابل، یک زن زیر چادری، در محضر عام باضرب مرمی «اعداد» گردید، آقای وکیل احمد متوکل از آن لحظه و اقدام «حاکمیت طالب» احساس نهایت خوشی را بیان داشت.

در حالیکه شایعات اولی مبنی بر اینکه گویا، نیرو های طرفدار سلطنت و «هواداران خاص محمد ظاهرشاه»، اداره امور را، بعد از تصفیة نظامی، بدست خواهند گرفت، ناظران اوضاع را با امید های بهبود و برگشت ثبات می‌کشانید. در حلقات معین داخل و خارج افغانستان بسیاری از افراد، خوشبینی نسبت به آنها را نشان می‌داده اند. این هم ممکن یکی از «مهارت های» سنجش استخباراتی بوده باشد که اذهان عامه را فریب داده اند. ترکیب چهره های مختلف، در رأس امور «دولتی» طالبان، که در قسمت های قبلی از برخی از آنها نام گرفته شده است، چنین ذهنیت را ایجاد می‌نموده است، که «گویا» نیروهای اصیل «ملی» در عقب آنها خواهد بود، که بعداً این تصور غیر حقیقی برملا گردید.



از «امنیت» آن روز های اول «رژیم طالبان»، طوریکه قبلاً هم تذکر رفته است، حتی نواز شریف، صدراعظم وقت پاکستان، چنان جلب توجه نمود، که در یک صحبت با مطبوعات در باره اوضاع پیشاور گفت، «هر گاه کسی بخواهد امنیت را برقرار نماید، باید، از رژیم «طالبان» پیروی کند.»

پیشرفتهای نسبتاً سریع و موفقیت های نظامی «طالبان» بسمت شمال خاصاً در سال

د پانوی شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

۱۹۹۸، باعث عکس العمل های دول خارجی، علیه پاکستان نیز می گردید. در جهان امروز پیوند ها، به هر اندازه که قوی جوش بخورند، در انکشافات سریع در جهان و وسایل اطلاعاتی فعلی، خیلی زود هم افشاء می گردند. کشور پاکستان بر طبق شیوه عمل آن در دهه های اخیر، بیشتر از طریق اعزام «متقاعدین نظامی» و رهبران و فعالین احزاب «اسلامی»، بخصوص شعبات مستقر آنها در مناطق قبایلی، بحیث «مشاور»، نزد «رهبران طالبان» در افغانستان، اوضاع را تحت کنترل خویش نگاه می داشته اند. همه جهانیان می دانند، که برای هزاران متقاعد نظامی پاکستان، قرار اطلاعات منابع مطبوعاتی در نیمه دهه هشتاد قرن بیست، در عربستان سعودی نیز از همین پیوند های «اسلامی» استفاده می شده است.

در یک گزارش، روز جمعه، ۱۴ آگست ۱۹۹۸، گزارشگر «بی.بی.سی.» در صفحه «انتر نتی» از «جنوب آسیا»، تحت عنوان «افغانستان و همسایگان»، که توسط تحلیلگر منطقوی آن بنام «مالکولم هسلیت» (Malcolm Haslett)، با نشر یک نقشه می خوانیم: «با مغلوبیت اخیر ائتلاف ضد طالبان در شمال افغانستان»، اتهامات از جانب بعضی حامیان خارجی آنها، خاصاً از جانب ایران و روسیه، بر ملا گردید، که پاکستان را بکمک وسیع نظامی به طالبان، متهم می ساختند. بعضی از همسایگان، بخود کم تکلیف روا می داشتند، تاحمایت شانرا به جوانب پوشیده، نگهدارند. در همین متن می خوانیم: «حامی طالبان، پاکستان یکی از فقط سه کشور – دیگر آنها، مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی – می باشد.» که اداره طالبان را برسمیت شناخته اند. یا کستان از مدت ها قبل بدین سومتهم است که به طالبان نه فقط کمک اخلاقی، بلکه کمک های «لوژیستیکی» نیز انجام می دهد. در صف کشور های خارجی ضد طالب، از «روسیه و ایران»، با نام یاد شده است. ایران «شیعه» را حامی سرسخت «اقلیت شیعه» افغانستان، که قسمت زیاد آن در صف هزاره ها شامل اند، دانسته است. در مقابل آنها از طالبان بعنوان «سنی» یاد شده است.

عصر اساسی دیگر اتحاد «ضد-طالبان» را درین گزارش «بی.بی.سی.»، «گروپ «اینتیک ازیک» تحت کنترل عبدالرشید دوستم، و گروپ «اینتیک تاجیک» احمد شاه مسعود، دانسته و از روابط و مناسبات آنها، با ازبکستان و تاجکستان، در عرض سرحد شمال خوانده اند که بالنوبه با روسیه مرتبط، اند. پیروزی «طالبان» را بمثابة منبع تحریک گروپ های اسلامی در آسیای میانه و شمال «قفقاز» شناخته اند. از جانب دیگر بطور مشهود، پس از ماه آگست ۱۹۹۸ از جمله ماه های پر حادثه فعالیت های تروریستی، بین المللی، ضد امریکائی شناخته شده است. درین حوادث با وجود آنکه، نقش رهبران «طالب» افغانی خیلی روشن نیست، ولی علایم بی شمار نشان می دهد، که در حقیقت پاکستان، سعودی و «امارات عربی متحد» از یکطرف بحیث «دول» از ضعف «طالبان» افغانی، که فارغ از پیوند های معین قبیلوی نخواهند بود، استفاده سوء می نمایند، ازجانب دیگر توسط سازمانهای «افراطی» مذهبی، در جهت «ایدیولوژیک»، آنها را آماده به همچو سیاست می سازند.

در گزارش آزمون، یعنی در ۱۴ آگست ۱۹۹۸، همچنان می نویسند که در ایران و روسیه، بیمانه وسیع عقیده بر آنست که ملل غرب، مشخصاً اضلاع متحده، از «حامیان فعال طالبان» شناخته می شوند. چنین بر می آید که پاکستان را بصورت عموم، متحد واشنگتن می دانند، بناءً واشنگتن هم باید از مشی پاکستان در افغانستان حمایت کند.



بتاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۹۸، خبرنگار «بی.بی.سی.»، تحت عنوان «پیشرفت غیر منتظره صلح در افغانستان» گزارش داده، می نویسد: «سفير اضلاع متحده امریکا در سازمان ملل متحد، «بل ریچاردسن» (Bill Richardson)، مدعی شده است، که پیشرفت قابل ملاحظه در ین گردباد دور مذاکرات با جوانب درگیر جنگ در افغانستان حاصل شده است» گزارشگر به ادامه علاوه می کند: «بعد از مذاکره با جنبش طالبان اسلامی در کابل و مخالفین «اتحاد شمال» آن در «شیرغان»، او گفت که هر دو جانب موافقت نمودند، تا در مذاکرات صلح بتاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۹۸ در پاکستان اشتراک نموده و روی «آتش بس» بعد از آن، ببندیشند.»

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی



بهر صورت، در اطراف سفر «بل ریچاردسن»، انتظارات زیادی تبلیغ میگردید. «طالبان» متوقع بوده اند، تا «برسمیت» شناخته شوند. در عین زمان برای دستیابی به صلح هم، آرزوها به ذهن جای داده می شد، که متأسفانه تحقق نیافت.

بتاریخ ۲۶ مارچ ۱۹۹۹، خبر نگار «بی. بی. سی.» ، «ویلم ریو»، از جریان سفر «الاحضر ابراهیمی» به افغانستان، تحت عنوان: «به طالبان گفته شد که مذاکرات صلح را حفظ نمایند». ضمن آنکه این عکس ها را مکرراً بنشر سپرده است، می نویسد که هر قدر که به فصل تابستان نزدیک میشویم، بیم آغاز «جنگ های شدید محسوس» است. نا گفته نماند که در همان سال، «الاحضر ابراهیمی»، از مأموریت اش، به نسبت عدم موفقیت مستعفی شد.

دلچسپی های تجارتي نیز نقل شده است، که «اضلاع متحده امریکا را به حمایت» از طالبان می کشانیده است، «وحدت افغانستان»، توسط طالبان، گفته می شود که شرکت های امریکائی، راه دخول به کشور را خواهد یافت و کمک به اعمار عاجل لوله («پایپلاین»)، از ترکمنستان الی پاکستان، صورت خواهد گرفت.



بتاریخ ۲۸ «اکتوبر ۱۹۹۹»، حکومت طالبان شایعی راه مبنی برینکه گویا «معامله ایرا بر سر بن لادن با امریکا بسر رسانیده اند، رد نمودند.» در عین روزبا نشر همین عکس، وکیل احمد متوکل، که در سابق از او بصفت «سخنگوی رهبر طالبان، ملا محمد عمر» یاد می نمودند، درین گزارش از تقرر وی «بحیث وزیر خارجه طالبان» یاد گردیده است.

۲۸ «نومبر» ۱۹۹۹، «اووین بینیت - جونز» از اسلام آباد، گزارش داده است، که سازمان ملل متحد، به ارتباط و وضع دشوار انسانها، یک درخواستی را جهت «کمک» انسانی به حجم ۲۲۱ ملیون دالربراه انداخته است، قریب یک هفته پس از آنکه «تحریمی» را علیه «طالبان» که قسمت اعظم خاک را تحت کنترل دارند، براه انداخته است. یک مقام رسمی سازمان ملل متحد، بنام احمد، گفته است که «بیست سال جنگ این کشور ر به فقیر ترین ملت ها در روی زمین مبدل ساخته است.»

در چنین شرایط، درست بتاریخ ۲۹ «اکتوبر» ۱۹۹۹ از ورود فشار واشنگتن بر طالبان، به ارتباط «اوساما بن لادن» تبصره ها جریان داشته است. «بی. بی. سی. سی. سی.»، ضمن آنکه از زبان شخصی بنام «محمد طیب آغا»، یک سخنگوی ملا عمر می نویسد که گویا «اوساما بن لادن» از «امارت اسلامی افغانستان» خواستار کمک شده است، که برایش، کمک کنند، تا بجای نامعلوم، افغانستان را ترک گوید، همچنان با نشر عکس وزیر خارجه وقت واشنگتن، خلص موضعگیری آنکشور را مبنی برینکه، لازم است، شخص مطلوب، از افغانستان خارج ساخته شود، واضح نوشته شده است، که «امریکا بر طالبان فشار وارد می آورد.» «بن لادن» تا آزمان، به طرح و دستور، «بمب گذاری» در سفارت های امریکا در «کنیا» و «تانزانیا» در آگست ۱۹۹۸ که در اثر آن، بیش از ۲۰۰ انسان جان دادند، متهم بوده است.



در تضاد با این تصورات، همچنان از «زنگ» خطر ایکه بگوش غرب در باره طالبان ظنین انداز شده است، گزارش یافته است. در عین حال حقیقتی را که عده از شرکت های غربی از پیروزی طالبان استقبال نموده اند، تأیید نموده، لیکن این امر را به هیج صورت، بمثابه حمایت فعال



zweiten einer Trömmelandschaft: Der Markt von Kabul als Forum des Überlebenskomplexes Tausender

اضلاع متحده از طالبان نمی شناسند. برخلاف کشور های غربی را، بشمول اضلاع متحده امریکا، درباره طالبان «نگران» خوانده اند. آنها «هوشداری جدی» و زنگ خطر را در رابطه با سیاست داخلی آنها، خاصاً در مورد پرخورد با زنان، اظهار داشته اند. علاوه از نگرانی جدی واشنگتن در باره «ریکارد» تجارت طالبان در بخش مواد مخدره گزارش داده شده است. امید هائیکه، موقف شدید اخلاقی طالبان، تجارت و عبور و مرور محموله های مواد مخدره را پائین خواهد آورد، بسر نرسید.

روزنامه آلمانی زبان «نویس دوپچلند»، بتاریخ ۲۳ «نومبر» ۱۹۹۹، با نشر این تصویراز مارکیٹ شهر کابل، در باره گزمه پولیس «مذهبی»، «امر

د پانو شمیره: له 3 تر 5

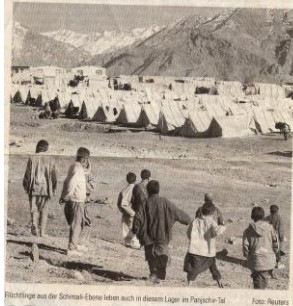
افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

بالمعروف و نهی عن المنکر» که بقول خبر نگار، بر طبق نمونه «عربستان سعودی» سازمان یافته است، گزارش می دهد، در عین زمان تذکر می دهد، که «طالبان» از دیر وقت است، که «خوشینی های» قبلی مردم را که در برابر آنها، وجود داشته است، از دست داده اند.

باز روزنامه «نویس دویچلند» از شدت جنگ در شمالی گزارش داده، مینویسد که درین کمپ واقع در پنجشیر، مهاجرن شمالی نیز وجود داشته اند. الی اخیر سال ۱۹۹۹ بر اساس منابع خبری، فقط ۱۰ فیصد مجموع مساحت خاک افغانستان را «اتحاد شمال» که «برهان الدین ربانی» را، رئیس جمهور خود می دانسته اند، تحت کنترل خود داشته اند، متباقی قلمرو افغانستان، یعنی ۹۰ فیصد متباقی را «طالبان» کنترل می نموده اند.

دیری نگذشته بود که «پولیس» مواظب مراعات «رسوم» خاص آنها، بقطع موی سر افراد، ممانعت زنان از کار در دفاتر با مردان، پوشیدن جبری چادری، دراز گذاشتن ریش مردان، شلاق زدن، بریدن دست و غیره، بمثابه عمل عادی قدرتمداران گزارش می گردید. اعمال تروریستی سازمان «القاعده» در منطقه خلیج، افریقا، امریکا و همچنان ربودن «طیاره»، «هندی توسط تروریستهای «پاکستانی» و نشست آن در میدان هوایی قندهار و مسایل بی شمار دیگر، باعث بی اعتبار شدن این «حرکت» در بین حلقات آگاه جامعه و «جهان آزاد» گردید. در همه این مراحل با سه کشور دارای روابط نزدیک بوده اند. این «طالب مسلح» «شلاق بدست» که از ضربه بر سر و تن خواهران و مادران کشور ما دریغ نمی نمودند، با آن «طالب معصوم» که در حجره های مساجد دهات وطن ما در طول قرون جای داشته اند، از همین خواهران و مادران نان پخته و لباس دوخته بدست می آورده اند، ربط و شباهتی نداشته اند و ندارند.



ماه «دسمبر» ۱۹۹۹، طوریکه قبلاً نیز تماس گرفته شده است، حادثه «اختطاف طیاره مسافر بری هند»، رهبری «طالبان» و بخصوص وزیر خارجه جدید، وکیل احمد متوکل را هم، مصروف ساخته بود. برای روشن شدن بییشتر جریان حادثه «ربودن طیاره» را خلص از گزارش ۲۵ «دسمبر» ۱۹۹۹ نقل می نمائیم. بتاريخ ۲۴ دسمبر ۱۹۹۹ طیاره از کتمندو پرواز می کند. اختطاف کنندگان تقاضای فرود آمدن در میدان «لاهور» پاکستان را بزبان می آورند. اما در «امرتسر» هند بزمین می نشینند. بعد «بدون اجازه پاکستان»،



در لاهور توقف نموده از آنجا، پرواز و در «المنهاد» یک پایگاه هوایی نظامی در نزدیکی «دوبی»، بزمین می نشینند. از آنجا، بعد از اینکه تعدادی از مسافری را رها می کنند، بسوی قندهار پرواز نموده است. راز معلوم نشد که چرا قندهار؟، متوکل گفته است که «بنا به خواهش مقامات هند، اجازه فرود آمدن بمیدان هوایی قندهار داده شده است.» ممکن «اختطاف کنندگان» دولت هند را مجبور ساخته باشند، تا چنین تقاضا صورت گیرد. به عکس های ذیل توجه شود: بعداز رهائی Maulana Masood Azhar موتر «مولانا مسعود اظهر» (Ahmed Omar Sayed Sheikh) از زندان. دو شخص دیگر هر یک شیخ سید احمد عمر (Mushtaq Ahmed Zargar) این صحنه هم ممکن جالب باشد: گمان می رود که یکی از رها شدگان بوده باشد، که متوکل او را به آغوش می گیرد.



گروگان گیری بر اساس گزارش «بی. بی. سی.» بتاريخ ۳۱ «دسمبر» ۱۹۹۹ خاتمه یافت. سه «زندانی» را از زندان های هند، که در جمله یک تبعه انگلیسی نیزشامل بوده است، آزاد ساختند. «گروگان گیران»، یک «طالب» در عوض رها ساختن مسافران و ختم معضله با خود بردند. عکس ها همه از منابع «بی. بی. سی.» . در ۲۴ ماه می ۲۰۰۰، «روسیه»، «طالبان» را به «حملات هوایی» تهدید می نماید، زیرا «طالبان» را متهم به «تعلیمدهی» شورشیان «اسلامی»



د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ



«چیچینیا» در افغانستان، نموده است. باردیگر «پوتین» با وزیر دفاع آنکشور، در «مینسک»، پایتخت «بلا روس»، بمذاکرات روی مسایل «امنیتی» با تعدادی از جمهوری های سابق شوروی بمذاکر پرداختند. در عین زمان «کمک» روسیه را به «اتحاد شمال» تشدید بخشیدند.

«مولوی قلم الدین» یکی از مخوف ترین چهره ها در حکومت «طالبان» شمرده می شده است. (منبع عکس انترنت) معاون «امربالمعروف و نهی عن المنکر»، انسانها را به جرم شنیدن رادیو روانه زندان می ساخت. این تشکل جنگی، در آغاز بصورت عمده «جنبش طالبان» از ترکیب «سه گروپ»، افسران زمان سلطنت گرفته تا افراد جدا شده از «حزب حاکم وقت» زمان حضور قوای شوروی و تجمعی از جنگی های «نا راض» از صفوف «تنظیم



های» مستقر در پشاور، نام داده شده است، که بنابر هنر و مهارت «استخباراتی» از آنها، در نقش و هم زیر پوشش کلمه «طالب» استفاده نموده اند. با اعمال مرحله اول قدرت نمائی، بر میراث فرهنگی جامعه افغانی ضربات تباہ کننده وارد آورده اند. اگر روزی در دهات دور افتاده، در وقت مریضی عضو خانواده اش که محلات آنها داکتر و دوا نمی شناختند، طالب و یا ملا را برای «قرائت قرآن شریف»، بمثابة آرامش روحی می خواستند، حال در شغل طالب بجای قرائت قرآن مقدس، ممکن هنر استعمال اسلحه، بستکاری «بمب» و غیره مواد منفجره را بشناسند، خدا می داند که ادای نماز را با چه ترس و وهم ممکن در مساجد، بسر می رسانند.

بعد ازینکه تمام تلاشهای ابراهیمی در امر رسیدن به صلح بی نتیجه از آب بر آمد، سر منشی سازمان ملل متحد، «کوفی عنان»، «فرانسیس ویندریل» (Francesc Vendrell)، را بحیث نماینده خاص خود برای افغانستان تعیین نمود، که در فبروی ۲۰۰۰ به سفر هایش آغاز می نماید.

ختم قسمت پانزدهم  
ادامه دارد

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ